Journal of Psychological Injuries Volume 1, Issue 1, Spring 2022, Pages: 20-28

Original Article

10.32592/jpsimedilam.2022.1.1.102

Relationship between Parenting Patterns and Personality Types with Mental Health in Students of Islamic Azad University, Ilam Branch

Leila Kazeminia[1*], Fathollah Mohammadian[2], Jahanshah Mohammad Zadeh[3], Rasol Beh Afarin[4]

[1] *MA in Clinical Psychology, Psychosocial Injuries Research Center, University of Medical Sciences Ilam, Iran*
[2] *PhD in Health Psychology, Psychosocial Injuries Research Center, University of Medical Sciences, Ilam, Iran*
[3] *PhD in General Psychology, Faculty of Literature and Humanities, Ilam University*
[4] *Master Student of Epidemiology, University of Medical Sciences Ilam, Iran*

**** Corresponding Author:*** *Leila Kazeminia, Psychosocial Injuries Research Center, University of Medical Sciences Ilam, Iran. Email: ll.kazemi1397@gmail.com*

Received: 24.01.2021
Accepted: 08.09.2021

How to Cite this Article:
Kazeminia L, Mohammadian F, Mohammad Zadeh J, beh afarin R. Relationship between Pare-nting Patterns and Personality Types with Mental Health in Students of Islamic Azad University, Ilam Branch. *Journal of Psychological Injurie*. 2022; 1(1): 20-28. DOI: 10.32592/jpsimedilam.2022.1.1.102

Abstract

Background and Objective: The aim of this study was to investigate the relationship between parenting patterns and personality factors with mental health in students of Islamic Azad University, Ilam branch.

Materials and Methods: The study is a descriptive study in terms of purpose in the field of applied research and in terms of data collection method. The statistical population of the study included all students of Islamic Azad University, Ilam branch and the statistical sample were estimated 319 students according to the Cochrane formula. Diana Bamrind Parenting Styles Questionnaire, Neo Personality Factors, and Goldberg 28-item General Health Standard Questionnaire were used to obtain information. Data were collected using SPSS software and analyzed in two parts: descriptive analysis and correlation

Results: The results showed that there is a significant relationship between assertive and reassuring parenting style and mental health of children (P< 0.002, r=0.191), But there was no correlation between easy parenting styles (P>0.051, r=0.210) and authoritarian parenting style (P› 0.338, r=-0.060) with mental health. The findings also showed that there is a positive and significant relationship between extraversion personality factors (p<0.049, r=0.068), empiricism (P<0.006, r=0.172), flexibility (P<0.009, r=0.165), and parental conscientiousness (P<0.001, r=0.306) with students' mental health, But there was no significant correlation between neurotic personality factor (emotional instability) (P>0.054, r=0.133) and mental health.

Conclusion: Assertive and reassuring parenting style play an important role in children's mental health, so it is suggested that they be considered in educations

Keywords: Mental health, Parenting patterns, Personality factors, Students

[Downloaded from jpsi.medilam.ac.ir on 2026-11-01]

Copyright © 2022 Journal of Psychological Injurie. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License (*http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/*) which permits copy and redistribute the material just in noncommercial usages, provided the original work is properly cite

مقاله پژوهشی

doi: 10.32592/jpsimedilam.2022.1.1.102

رابطه الگوهای فرزندپروری و تیپ های شخصیتی با سلامت روان در دانشجویان دانشگاه آزاد ایلام

لیلا کاظمی نیا[1]*، فتح اله محمدیان[2]، جهانشاه محمدزاده[3]، رسول به آفرین[4]

[1] گروه روان‌شناسی، مرکز تحقیقات آسیب‌های روانی– اجتماعی، دانشگاه علوم پزشکی ایلام، ایلام، ایران
[2] گروه روان‌شناسی، مرکز تحقیقات آسیب‌های روانی– اجتماعی، دانشگاه علوم پزشکی ایلام، ایلام، ایران
[3] گروه روان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران
[4] گروه اپیدمیولوژی، دانشگاه علوم پزشکی ایلام، ایلام، ایران

* **نویسنده مسئول:** لیلا کاظمی نیا، مرکز تحقیقات آسیب‌های روانی– اجتماعی، دانشگاه علوم پزشکی ایلام، ایلام، ایران. ایمیل: ll.kazemi1397@gmail.com

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۱۲/۰۶
تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۰۶/۱۷

تمامی حقوق نشر برای دانشگاه علوم پزشکی همدان محفوظ است.

چکیده

سابقه و هدف: مطالعهٔ حاضر با هدف بررسی رابطهٔ الگوهای فرزندپروری و تیپ‌های شخصیتی با سلامت روان در دانشجویان دانشگاه آزاد ایلام انجام گرفت.

مواد و روش‌ها: این پژوهش از نظر هدف، در حیطهٔ تحقیقات کاربردی و از نظر شیوهٔ جمع‌آوری اطلاعات، مطالعه‌ای توصیفی است. جامعهٔ آماری تحقیق شامل همهٔ دانشجویان دانشگاه آزاد ایلام و نمونهٔ آماری هم بر اساس فرمول کوکران، تعداد ۳۱۹ نفر از دانشجویان برآورد شدند. برای به دست آوردن اطلاعات از پرسش‌نامه‌های سبک‌های فرزندپروری دیانا بامریند، عامل‌های شخصیتی نئو و سلامت روان و نیز استاندارد سلامت عمومی ۲۸ سؤالی گلدبرگ استفاده گردید. داده‌ها پس از جمع‌آوری، با استفاده از نرم‌افزار SPSS vol.20 و در دو بخش تحلیل توصیفی و همبستگی (ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون) تجزیه‌وتحلیل شدند.

یافته‌ها: نتایج به‌دست‌آمده نشان داد که میان سبک فرزندپروری قاطع و اطمینان‌بخش والدین و سلامت روان فرزندان رابطهٔ معناداری وجود دارد (P<۰/۰۰۲،r=۰/۱۹۱)؛ اما میان سبک‌های فرزندپروری سهل‌گیر (P<۰/۰۵۱،r=۰/۲۱۰)و سبک فرزندپروری مستبد (P<۰/۳۳۸،r=۰/۰۶۰) با سلامت روان همبستگی مشاهده نشد؛ همچنین یافته‌ها نشان داد میان عامل‌های شخصیتی برون‌گرایی (P<۰/۰۴۹ ،r=۰/۰۶۸)، تجربه‌گرایی (P<۰/۰۰۶،r=۰/۱۷۲)، انعطاف‌پذیری(P<۰/۰۰۹،r=۰/۱۶۵) و وظیفه‌شناسی والدین (P<۰/۰۰۱،r=۰/۳۰۶) با سلامت روان دانشجویان رابطهٔ مثبت و معناداری وجود دارد؛ اما میان عامل شخصیتی روان‌رنجوری (بی‌ثباتی هیجانی) (P<۰/۰۵۴،r=۰/۱۳۳) با سلامت روان همبستگی معناداری دیده نشد.

نتیجه‌گیری: الگوهای فرزندپروری قاطع و اطمینان‌بخش در سلامت روان فرزندان نقش مهمی دارند؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود که بایستی در آموزش‌ها مدنظر قرار گیرند.

واژگان کلیدی: الگوهای فرزندپروری، دانشجویان، سلامت روان، عامل‌های شخصیتی

مقدمه

در طول چند دههٔ اخیر، به مسئلهٔ سلامت روان به‌عنوان یکی از ابعاد مهم سلامت، توجه ویژه‌ای شده است (۱). سلامت روانی مجموعه‌ای از ویژگی‌هایی است که در برابر حوادث فشارزای زندگی به‌عنوان سپری محافظ عمل می‌نماید و کمک می‌کند که افراد در این موقعیت‌ها کارکرد بهتری داشته باشند؛ همچنین حالتی از بهزیستی و توانمندی است که به فرد توانایی لازم برای مقابله با تنش‌های روزمره زندگی را می‌دهد (۲). درواقع، سلامت روان جنبه‌ای از مفهوم کلی سلامت است و بر روش‌ها و تدابیری متکی است که برای جلوگیری از ابتلا به بیماری‌های روانی، درمان و توان‌بخشی آن‌ها به کار می‌رود (۳).

[Downloaded from jpsi.medilam.ac.ir on 2026-11-01]

در زندگی امروز، افزایش فشارها و تنش‌ها از یک‌سو و پیچیده‌تر شدن درک رفتارها و انگیزه‌های انسانی از سوی دیگر موجب شده تا شناخت ویژگی‌ها و تیپ‌های شخصیت و چگونگی برانگیخته شدن انسان‌ها در شرایط ناگوار ازجمله مباحث مطرح در روان‌شناسی باشد (۴). منظور از تیپ شخصیتی، مجموعه‌ای از الگوهای پایدار فرد در ادراک، شناخت و روابط بین‌فردی و نوعی (۱) سبک قابل پیش‌بینی در طرز تفکر، احساس و رفتار است که از ارتباط نزدیک عوامل زیستی، تجربه‌های آغازین زندگی، روند تکامل شخصی و تأثیرات بین فردی، اجتماعی و فرهنگی پدید می‌آید (۵).

از سوی دیگر، روان‌شناسان رشد از دهۀ 1920 به بعد علاقه‌مند بودند بدانند که چگونه والدین رشد اجتماعی و شایستگی را در فرزندان خود پرورش می‌دهند. یکی از نیرومندترین رویکردها در این زمینه، مطالعه‌ای با عنوان سبک های فرزندپروری است که دارلینگ (Darling) (۱۹۹۹) انجام داده است (۶). شیوه‌های فرزندپروری مجموعه‌ای از نگرش‌های تربیتی والدین نسبت به فرزند خود است که به ایجاد فضای هیجانی منجر می‌شود که در آن، رفتارهای والدین بروز می‌یابد (۷). شیوه‌های فرزندپروری را می‌توان در ابعاد مختلفی توضیح داد؛ مانند پذیرش، محبت، کنترل، مهربانی، گرمی، انعطاف‌پذیر بودن، محدود کردن و پرتوقع بودن (۸).

دیانا بامریند (Diana Baumrind) از تحلیل رفتار فرزندان و والدین، سه شیوۀ تعاملی متمایز الگوی فرزندپروری را شناسایی کرد که در دو جنبۀ کلی باهم متفاوت بودند؛ این دو جنبۀ کلی عبارت‌اند از: ۱. والدینی که برای کودکان خود تعیین تکلیف می‌کنند و آنان را به انجام تکالیف وادار می‌سازند؛ ۲. والدینی که نسبت به کودکان گرم و پذیرا هستند. بر اثر این ترکیب دو جنبۀ کلی، سه شیوۀ فرزندپروری شکل می‌گیرد که بامریند این سه طبقۀ مجزا را «مقتدرانه، سهل‌انگار و استبدادی» نامید (۹).

با توجه به آمارهای سازمان جهانی سلامت، ۱۲ درصد بیماری‌های جهانی ناشی از مشکلات سلامت روان هستند (۱۰). امروزه، رویکرد روان‌شناسی مثبت‌گرا توجه خاصی به سلامت روان دارد و آن را داشتن یک وضعیت خوب و سالم جسمانی، اجتماعی و روانی می‌داند. بر اساس نتایج تحقیق جیسون و همکاران (Jansen et al) ، اگر والدین بسیار سختگیر و دیکتاتور باشند، مانع پیشرفت و توسعۀ کنجکاوی و خلاقیت کودک می‌شوند. والدینی که اجازه نمی‌دهند فرزند ابراز وجود یا اظهارنظر کند، مانع بروز استعدادهای بالقوۀ کودک می‌گردند و درنتیجه، این کودکان در آینده افرادی روان آزرده و پرخاشگر خواهند شد و سلامت روان آنان را به مخاطره می‌اندازند (۱۱). هرگونه سهل‌انگاری در این زمینه سبب ضربات جبران‌ناپذیری بر روح و روان و سلامت فرزندانشان می شود؛ بنابراین، با توجه به پژوهش‌های محدود انجام‌گرفته در این زمینه، مطالعۀ حاضر با هدف رابطۀ میان الگوهای فرزندپروری و تیپ‌های شخصیتی با سلامت روانی در دانشجویان دانشگاه آزاد واحد ایلام انجام شد.

مواد و روش‌ها

تحقیق حاضر از نظر هدف، در حیطۀ تحقیقات کاربردی و از نظر شیوۀ جمع‌آوری اطلاعات، توصیفی از نوع همبستگی است. جامعۀ آماری تحقیق شامل همۀ دانشجویان دانشگاه آزاد ایلام (۱۹۰۶ دانشجو) و نمونۀ آماری با توجه به روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای بر اساس فرمول کوکران و با در نظر گرفتن میزان شیوع ۵۰ درصد و سطح اطمینان ۹۵ درصد، ۳۱۹ نفر محاسبه‌شده است.

پرسش‌نامۀ سبک‌های فرزندپروری (Parenting Style Index)

این پرسش‌نامه ۳۰ ماده دارد که دیانا بامریند (۹) آن را طراحی و ساخته است. ۱۰ مادۀ آن به شیوۀ آزادگذاری مطلق، ۱۰ ماده به شیوۀ استبدادی و ۱۰ مادۀ دیگر به شیوۀ اقتدار منطقی والدین در امر پرورش فرزند مربوط می‌شوند. بوری (Bori) در سال ۱۹۹۱، میزان پایایی این پرسش‌نامه را به روش بازآزمایی انجام داد که ۸۱ درصد برای مؤلفۀ آزادگذاری، ۸۵ درصد برای متغیر استبدادی و ۹۲ درصد هم برای اقتدار منطقی پدران گزارش کرد. در انستیتو روان‌پزشکی ایران نیز، اسفندیاری (۱۳۷۴) فرم اصلی پرسش‌نامه را ترجمه و اصلاحات لازم را در آن انجام داد. نتایج به‌دست‌آمده بیان داشت که پرسش‌نامۀ یادشده روایی (اعتبار) صوری دارد. اسفندیاری پایایی بازآزمایی این پرسش‌نامه را برای مؤلفۀ آزادگذاری ۶۹ درصد، برای استبداد ۷۷ درصد و اقتدار منطقی هم ۷۳ درصد گزارش کرده است (۱۲).

پرسش‌نامۀ عامل‌های شخصیتی (NEO-FFI: NEO-Five Factor Inventory)

پرسش‌نامۀ شخصیتی نئو (NEOPI-R) یکی از آزمون‌های شخصیتی است که مک‌کری و کوستا (Mccarry & costa) در سال ۱۹۸۵، با عنوان پرسش‌نامۀ شخصیتی نئو معرفی کردند. فرم تجدیدنظرشدۀ این پرسش‌نامه را همان مؤلفان با عنوان فرم تجدیدنظرشدۀ پرسش‌نامۀ شخصیتی نئو ارائه نمودند. فرم بلند این پرسش‌نامه در ۲۴۰ عبارت، برای اندازه‌گیری پنج عامل یا حیطۀ اصلی روان‌رنجوری، برون‌گرایی، انعطاف‌پذیری، دلپذیر بودن و مسئولیت‌پذیری طراحی‌شده است؛ همچنین این پرسش‌نامه فرم دیگری به نام NEO-FFI دارد که یک پرسش‌نامۀ ۶۰ سؤالی است و برای ارزیابی پنج عامل اصلی

[Downloaded from jpsi.medilam.ac.ir on 2026-11-01]

شخصیت به‌کار می‌رود. در فرم ۲۴ سؤالی، هر عامل ۶ سطح یا زیرمقیاس دارد، درحالی‌که در فرم کوتاه، هر عامل با ۱۲ سؤال سنجیده می‌شود (گروسی فرشی، ۱۳۸۰). فرم بلند پرسش‌نامهٔ شخصیتی نئو در کشورهای گوناگون جهان ازجمله در ایران اعتباریابی شده است. در ایران، فرم بلند از سوی گروسی، مهریار و طباطبایی (۱۳۸۰) اعتباریابی شد و نتایج شبیه نتایج به‌دست‌آمده در آزمون در کاستا (۱۹۹۲) نشان داد که همبستگی ۵ زیرمقیاس فرم کوتاه با فرم بلند از ۷۷ درصد تا ۹۲ درصد است؛ همچنین همسانی درونی زیرمقیاس‌های آن در دامنهٔ ۶۸ درصد تا ۸۶ درصد برآورده شده است (۱۳).

پرسش‌نامهٔ سلامت روان (Mental Health Questionnaire)

این پرسش‌نامه که گلدبرگ آن را ساخته، فرم ۲۸ سؤالی آن دربرگیرندهٔ چهار خرده‌مقیاس است و نسبت به سایر نسخه‌ها، بیشترین میزان اعتبار، حساسیت و ویژگی را دارد. گلدبرگ و ویلیامز (Goldberg & williams) (۱۹۸۹)، ویژگی‌های روان‌سنجی نسخه‌های مختلف را در ۴۳ مطالعه، در کشورهای گوناگون جهان بررسی کردند و نشان دادند نسخهٔ ۲۸ سؤالی میزان اعتبار بیشتر و حساسیت و ویژگی مناسب‌تری دارد. در این نسخه متناسب با تحلیل عواملی که گلدبرگ و هیلر (Goldberg & hiller) (۱۹۷۹) انجام دادند، ۴ عامل اساسی شامل مقیاس های علائم جسمانی، علائم اضطراب و اختلال خواب، اختلال کارکرد اجتماعی و مقیاس افسردگی استخراج گردید. در ایران، مطالعات روان‌سنجی اندکی دربارهٔ کیفیت روان‌سنجی و ساختار عاملی این پرسش‌نامه انجام‌شده است. تقوی ویژگی‌های روان سنجی آن را با نمونهٔ ۹۲ نفری دانشجویان دانشگاه شیراز انجام داد. وی با تحلیل، چهار عامل افسردگی، اضطراب، اختلال کارکرد اجتماعی و جسمانی را استخراج کرد که ۵۸ درصد واریانس توسط این چهار عامل تعیین گردید (۱۴).

تجزیه‌وتحلیل

برای تجزیه‌وتحلیل داده‌ها، از نرم‌افزار SPSS vol.20 در قالب دو روش توصیفی و همبستگی استفاده شد. بخش توصیفی شامل توصیف سادهٔ متغیرها بود و در بخش تحلیل همبستگی هم‌جهت سنجش متغیرها و آزمون فرضیات، از روش استنباطی- علی و از آماره و آزمون مناسب با سطح سنجش متغیرها از ضریب همبستگی پیرسون و از رگرسیون (ورود متغیرهای به‌صورت همزمان) استفاده گردید.

یافته ها

از کل تعداد نمونهٔ آماری پژوهش که ۳۱۹ نفر بودند، میانگین سنی و انحراف معیار پاسخ‌گویان در مطالعه ۳/۱ ± ۳/ ۲۶ برآورد شد. از نظر جنسیت، بیشتر دانشجویان زن (۵۱/۷ درصد) و ۴۵/۵ درصد آنان هم مرد بود. از نظر وضعیت تأهل، بیشتر دانشجویان (۶۶/۱ درصد) با بالاترین فراوانی ازدواج نکرده و مجرد بودند. با توجه به میزان تحصیلات، بیشترین میزان مقطع تحصیلی کارشناسی (۵۶/۷ درصد) و کمترین مقطع تحصیلی هم مقطع تحصیلی دکتری (۹/. درصد) بود؛ همچنین از نظر رشتهٔ تحصیلی، بالاترین میزان رشتهٔ تحصیلی دانشجویان مربوط به رشتهٔ تحصیلی علوم تجربی (۲۶/۶ درصد)، سپس علوم انسانی (۲۵/۱ درصد)، فنی و مهندسی (۲۱/۹ درصد) و کمترین رشتهٔ تحصیلی هم مربوط به رشتهٔ تحصیلی کشاورزی (۲/۲ درصد) و علوم پایه (۵/۳ درصد) است. با توجه به محل سکونت، بیشتر دانشجویان (۷۴ درصد) بومی استان بودند. از نظر وضعیت شغلی، بیشتر دانشجویان شغلی نداشتند و بیکار (۵۲/۴ درصد) بودند (جدول شمارهٔ ۱).

نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهد، میان فرزندپروری قاطع و اطمینان‌بخش با سلامت روان با ضریب همبستگی ۰/۱۹۱ و سطح معناداری ۰/۰۰۲، رابطهٔ مثبت معناداری وجود دارد؛ اما میان الگوی فرزندپروری مستبد و سلامت روان با ضریب همبستگی ۰/۰۶۰- و سطح معناداری ۰/۳۳۸، رابطهٔ معناداری وجود ندارد و نیز میان الگوی فرزندپروری سهل‌گیر با سلامت روان دانشجویان با ضریب همبستگی ۰/۲۱۰ و سطح معناداری ۰/۰۵۱، رابطهٔ معنی‌داری وجود ندارد و میان تیپ شخصیتی روان‌رنجوری (بی‌ثباتی هیجانی) با سلامت روان دانشجویان با ضریب همبستگی ۰/۱۳۳ و سطح معناداری ۰/۰۵۴، رابطهٔ مثبت معناداری وجود نداشت؛ همچنین میان تیپ شخصیتی برون‌گرایی والدین با سلامت روان دانشجویان با ضریب همبستگی ۰/۰۶۸ و سطح معناداری ۰/۰۴۹، رابطهٔ مثبت معناداری وجود دارد. رابطهٔ میان تیپ شخصیتی تجربه‌گرایی و سلامت روان با ضریب همبستگی ۰/۱۷۲ و سطح معناداری ۰/۰۰۶، مثبت و معنادار است و میان تیپ شخصیتی انعطاف‌پذیری والدین با سلامت روان دانشجویان با ضریب همبستگی ۰/۱۶۵ و سطح معناداری ۰/۰۰۹، همبستگی مثبت معناداری مشاهده شد. میان تیپ شخصیتی وظیفه‌شناسی والدین با سلامت روان دانشجویان با ضریب همبستگی ۰/۳۰۶ و سطح معناداری ۰/۰۰۰، رابطهٔ معناداری وجود دارد (جدول شمارهٔ ۲).

بر اساس جدول شماره ۳، الگوی رگرسیونی برازش می‌شوند و از رگرسیون چندگانه (به شیوهٔ همزمان) استفاده‌شده است. ضرایب بتای استانداردشده برای ارزیابی سهم هریک از متغیرها در الگو اندازه‌ای را ارائه می‌دهد؛ همچنین ضریب همبستگی

[Downloaded from jpsi.medilam.ac.ir on 2026-11-01]

جدول ۱: توزیع فراوانی نمونهٔ آماری بر اساس برخی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی

متغیر		فراوانی	درصد فراوانی
جنسیت	مرد	۱۴۵	۴۵/۵
	زن	۱۶۵	۵۱/۷
	بی‌جواب	۹	۲/۸
وضعیت تأهل	مجرد	۲۱۱	۶۶/۱
	متأهل	۷۷	۲۴/۱
	بی‌جواب	۳۱	۹/۷
میزان تحصیلات	کاردانی	۶۴	۲۰/۱
	کارشناسی	۱۸۱	۵۶/۷
	کارشناسی ارشد	۵۴	۱۶/۹
	دکتری	۳	۰/۹
	بی‌جواب	۱۷	۵/۳
سکونت	بومی	۲۳۶	۰/۷۴
	غیربومی	۴۹	۱۵/۴
	بی‌جواب	۳۴	۱۰/۷
رشته تحصیلی	علوم انسانی	۸۰	۲۵/۱
	علوم تجربی	۸۵	۲۶/۶
	علوم پایه	۱۷	۵/۳
	فنی و مهندسی	۷۰	۲۱/۹
	کشاورزی	۷	۲/۲
	بی‌جواب	۶۰	۱۸/۸
شغل	شاغل بخش دولتی	۹	۲/۸
	شاغل بخش خصوصی	۳۲	۰/۱۰
	شغل آزاد	۹۳	۲۹/۲
	بیکار	۱۶۷	۵۲/۴
	بی‌جواب	۱۸	۵/۶

چندگانه میان متغیر الگوهای فرزندپروری و سلامت روان برابر با ۰/۲۹۳ و ضریب تعیین ۰/۰۸۶، ضریب تعیین تعدیل‌یافته ۰/۰۷۴ و خطای معیار ۱۰/۱۱۳ به‌دست‌آمده است. مقدار ضریب تعیین نشان می‌دهد که ۰/۰۸۶ درصد تغییرات سلامت روان با استفاده از متغیرهای ورودی تبیین می‌شود (جدول شمارهٔ ۳).

نتایج تحلیل آزمون مؤلفه‌های الگوی رگرسیونی را نشان می‌دهد که رابطهٔ میان الگوی فرزندپروری قاطع و اطمینان‌بخش با سلامت روان دانشجویان مثبت و معنادار بود (t=۲/۶۹، P<۰/۰۰۸) و رابطهٔ الگوهای فرزندپروری سهل‌گیر و مستبد با سلامت روان هم معنادار نبودند (جدول شمارهٔ ۴).

جدول ۲: ضریب همبستگی رابطهٔ میان الگوی فرزندپروری و تیپ‌های شخصیتی با سلامت روان

متغیر	سلامت روان	
	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری
فرزندپروری قاطع و اطمینان‌بخش	۰/۱۹۱**	۰/۰۰۲
فرزندپروری مستبد	-۰/۰۶۰	۰/۳۳۸
فرزندپروری سهل‌گیر	۰/۲۱۰	۰/۰۵۱
تیپ شخصیتی روان‌نژندی	۰/۱۳۳	۰/۰۵۴
تیپ شخصیتی برون‌گرایی	۰/۰۶۸	۰/۰۴۹
تیپ شخصیتی تجربه‌گرایی	۰/۱۷۲**	۰/۰۰۶
تیپ شخصیتی انعطاف‌پذیر	۰/۱۶۵**	۰/۰۰۹
تیپ شخصیتی وظیفه‌شناسی	۰/۳۰۶**	۰/۰۰۰

[Downloaded from jpsi.medilam.ac.ir on 2026-11-01]

جدول ۳: برازش رگرسیونی میان الگوهای فرزندپروری و سلامت روان

مدل	ضریب همبستگی چندگانه	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل‌یافته	خطای معیار
۱	۰/۲۹۳	۰/۰۸۶	۰/۰۷۴	۱۰/۱۱۳

جدول ۴: نتایج تحلیل رگرسیون الگوهای فرزندپروری

الگوهای فرزندپروری	ضریب استانداردشده		t	سطح معناداری
	B	Std.error	ضریب استانداردشده Beta		
متغیر (constant)	۴۳/۲۴۶	۶/۸۲۱	–	۶/۳۴۰	۰/۰۰۰
فرزندپروری قاطع و اطمینان‌بخش	۰/۳۲۷	۰/۱۲۱	۰/۱۹۱	۲/۶۹۳	۰/۰۰۸
فرزندپروری مستبد	۳/۰۰	۰/۱۱۶	۰/۰۱۹	۰/۲۶۱	۰/۷۹۵
فرزندپروری سهل‌گیر	-۰/۳۲۳	۰/۰۹۱	-۰/۲۲۴	-۳/۵۵۶	۰/۰۷۸

از الگوی رگرسیون چندگانه (به شیوهٔ همزمان) برای تحلیل رگرسیونی استفاده شد. ضرایب بتای استانداردشده برای ارزیابی سهم هریک از متغیرها در الگو اندازه‌ای را ارائه می‌دهد؛ همچنین ضریب همبستگی چندگانه میان متغیر تیپ‌های شخصیتی و سلامت روان برابر با ۰/۵۴۶، ضریب تعیین ۰/۲۹۸، ضریب تعیین تعدیل‌یافته ۰/۲۸۰ و خطای معیار ۸/۳۴۰ به‌دست‌آمده است. مقدار ضریب تعیین نشان می‌دهد که ۲۹ درصد تغییرات سلامت روان دانشجویان مربوط بـه تیپ‌هـای شخصیتی والدین است و این متغیر توانسته ۲۹ درصد از تـغییرات مـتغیر وابـسته را تـبیین کند (جدول شمارهٔ ۵).

جدول ۵: برازش رگرسیونی میان عامل‌های شخصیتی و سلامت روان

مدل	ضریب همبستگی چندگانه	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل‌یافته	خطای معیار
۱	۰/۵۴۶	۰/۲۹۸	۰/۲۸۰	۸/۳۴۰

نتایج تحلیل آزمون مؤلفه‌های الگوی رگرسیونی را نشان می دهد. جدول بالا نشان می‌دهد که میان تیپ‌های شخصیتی برون گرایی(P<۰/۰۱۰،t=۲/۵۹)، تیپ شخصیتی تجربه‌گرایی (P<۰/۰۰۱،t=۵/۰۲)، تیپ شخصیتی انعطاف‌پذیری (P<۰/۰۰۱،t=۳/۹۹) و تیپ شخصیتی وظیفه‌شناسی (P<۰/۰۰۱،t=۵/۹۹) با سلامت روان رابطهٔ معناداری وجود دارد. از سویی، رابطهٔ میان تیپ شخصیتی روان‌نژندی با سلامت روان معنادار نبوده است (جدول شمارهٔ ۶).

جدول ۶: نتایج تحلیل رگرسیون عامل‌های شخصیتی

پنج عاملی شخصیت	ضریب استانداردشده		t	سطح معناداری
	B	Std.error	ضریب استانداردشده Beta		
متغیر (constant)	۵۴/۱۵۱	۴/۶۲۱	–	۱۱/۷۱۸	.۰۰۰
عامل شخصیتی روان‌نژندی	۷/۹	.۱۴۸	.۰۴۱	۵۳۲	.۵۹۵
عامل شخصیتی برون‌گرایی	.۳۰۹	.۱۲۰	.۱۶۸	۲/۵۸۸	.۰۱۰
عامل شخصیتی تجربه‌گرایی	.۶۷۷	.۱۳۵	.۳۲۹	۵/۰۲۴	.۰۰۰
عامل شخصیتی انعطاف‌پذیری	-.۵۹۹	۱۵۰,	-.۲۵۸	- ۳/۹۹۸	.۰۰۰
عامل شخصیتی وظیفه‌شناسی	۹۸۸,	۱۶۵,	-.۴۴۸	- ۵/۹۹۹	.۰۰۰

بحث

پژوهش حاضر با هدف تعیین رابطهٔ الگوهای فرزندپروری و تیپ‌های شخصیتی با سلامت روان در دانشجویان دانشگاه آزاد ایلام انجام گرفت. نتایج نشان داد که میان فرزندپروری قاطع و اطمینان‌بخش با سلامت روان رابطهٔ مثبت معناداری وجود دارد که این یافته با نتایج پژوهش‌های ابوطالبی احمدی (۱۵) و سز و اسودانی (Seth & Asudani) (۱۵) همخوانی دارد. بر اساس نتایج این تحقیق، شیوهٔ فرزندپروری اقتدار منطقی، سبب افزایش عزت‌نفس نوجوانان می‌شود. از سوی دیگر، هنگامی‌که والدین در

[Downloaded from jpsi.medilam.ac.ir on 2026-11-01]

نوع تربیت و تعاملات خود با فرزندانشان قاطع و اطمینان‌بخش باشند، این وضعیت باعث نوعی دلبستگی و علاقه میان والدین و فرزندان می‌گردد و فرزندان خود را در حریم امن خانه و در کنار والدینی خوب که در نوع رفتار و ارتباط با فرزند خود بسیار محتاط هستند، احساس آرامش می‌کنند و احساس خرسندی در آنان ایجاد می‌شود و میان آنان با والدینشان علاقه و صمیمیت حکم‌فرما می‌گردد و از نظر روانی هم انسان‌های سالم‌تر و سرزنده‌تری هستند و سلامت روان آنان هم به مخاطره نمی‌افتند.

نتایج این پژوهش نشان داد میان الگوی فرزندپروری مستبد و سلامت روان رابطه و همبستگی معناداری وجود ندارد. در تبیین این فرضیه باید گفت، هنگامی‌که رابطهٔ میان والدین چندان صمیمانه نباشد و نوعی فضای مستبدانه حاکم گردد که در آن، تنها خود والدین تصمیم‌گیرنده هستند و حتی در مسائل شخصی فرزندان هم دخالت می‌کنند و به فرزندان خود چندان آزادی عمل نمی‌دهند و به‌طورکلی، در آن میان والدین و فرزندان صمیمیت وجود نداشته باشد، مطمئناً از نظر عاطفی از یکدیگر فاصله خواهند گرفت و خواه‌ناخواه وضعیت روحی و خلق فرزندان تحت تأثیر نوع رفتار والدین قرار می‌گیرد و اگر به‌صورت مداوم ادامه داشته باشد، زمینه را برای شکل‌گیری وضعیت روحی آشفته مهیا می‌سازد و در درازمدت بیماری‌های روانی ایجاد خواهد کرد و سلامت روان آنان به مخاطره خواهد افتاد که با نتایج سز و اسودانی (۱۶) و ساکامتو و همکاران (Sakamoto & etal) (۱۷) همخوان است. نتایج به‌دست‌آمده از این پژوهش نشان داد که میان الگوی فرزندپروری سهل‌گیر با سلامت روان دانشجویان رابطهٔ معناداری وجود ندارد. این یافته با پژوهشی از بلقان‌آبادی و همکارانش (۱۸) و اویسرم و همکاران (Oyserman) (۱۹) همخوان است.

در نتیجهٔ به‌دست‌آمده از فرضیه دیگر، میان تیپ شخصیتی روان‌رنجوری (بی‌ثباتی هیجانی) با سلامت روان دانشجویان رابطهٔ معناداری وجود نداشت که با نتایج شارما و همکاران (Sharma & etal) (۲۰) همخوانی دارد. شخصیت و نوع خلق‌وخو و رفتار والدین، به‌ویژه در سنین پایین‌تر که فرزندان در حال رشد هستند و در این مرحله به تناسب نوع محیطی که در آن قرار دارند و افرادی که با آنان در ارتباط هستند، خصوصاً والدین که نزدیک‌ترین و اولین افرادی هستند که فرد زندگی را با آنان آغاز می‌کند، در رفتار فرزندان تأثیر بسزایی دارد و در مراحل بعدی رشد وی هم بی‌تأثیر نیست. حال اگر والدین از نظر شخصیتی، افرادی با ویژگی‌های هیجانی منفی و بی‌ثبات باشند، قطعاً نمی‌توان انتظار داشت که فرزندانشان از این وضعیت متأثر نشوند و افرادی سالم تحویل اجتماع دهند، بلکه رفتار آنان تأثیر بسزایی در فرزندانشان دارد و چنین افرادی از نظر بیماری‌های روحی و روانی بیشتر در مخاطره هستند و ممکن است سلامت روانشان به مخاطره افتد.

تحلیل آماری این تحقیق نشان داد، رابطهٔ معناداری میان تیپ شخصیتی برون‌گرایی والدین با سلامت روان دانشجویان وجود دارد که با نتایج سچوفیلد و همکاران (Sechoffield & etal) (۲۱) همخوان است. برای تحلیل این ویژگی می‌توان گفت که والدینی که شخصیت برون‌گرا دارند، معمولاً از نظر هوش هیجانی نظیر محبت، جمع‌گرایی، قاطعیت، فعال بودن، هیجان‌خواهی و هیجانات، مثبت هستند و ارتباطات دوستانه‌تری با دیگران دارند و به‌شدت اجتماعی‌اند و ویژگی‌های شخصیتی بسیار مثبتی دارند؛ بنابراین، وقتی‌که والدینی دارای چنین خصائل اخلاقی و روحی باشند، در نوع رابطه‌ای که با فرزندان خود دارند، هم موفق هستند و ویژگی شخصیتی آنان هم در رفتار فرزندانشان تأثیر بسزایی دارد و سالم‌ترند (۲۱)؛ اما در پژوهش احمدی، نجاتی و عبدی (۲۲) و گرانت و لاگان (Grant, S, Langan-fox) (۲۳)، خرده‌مقیاس برون‌گرایی با سلامت عمومی همبستگی منفی دارد که با نتیجهٔ تحقیق ناهمخوان است.

نتایج پژوهش نشان داد میان گشودگی نسبت به تجربه با سلامت عمومی همبستگی مثبت و معنادار وجود دارد که با پژوهش احمدی و همکاران (۲۲) ناهمخوان است؛ زیرا هنگامی‌که والدین افرادی جستجوگر و در جستجوی تجربه‌های تازه باشند، افراد اجتماعی‌تری هستند، طبعاً نوع دیدگاه آنان به دنیای اطراف و حتی در ارتباط با فرزندانشان مثبت‌تر است و در روش‌های تربیتی خود و نوع رابطه با فرزند هم موفق‌تر عمل می‌کنند و فرزندان هم ازآنجاکه از والدین خود تأثیر می‌پذیرند، رفتارهای والدین و نوع سبک اخلاقی آنان را می‌بینند و در آنان هم درونی می‌شود و می‌توان گفت چنین والدینی در تربیت فرزندان هم موفق هستند و فرزندانی خوب و سالم بزرگ می‌کنند که حتی اگر در مراحل زندگی خود با مسائل و مشکلاتی روبرو شوند، به‌راحتی از پای نمی‌افتند و از سلامت روانی بالاتری برخوردار خواهند شد.

بر اساس نتیجهٔ به‌دست‌آمده از این پژوهش، میان تیپ شخصیتی انعطاف‌پذیری والدین با سلامت روان دانشجویان همبستگی معناداری مشاهده گردید که با نتایج دستجردی و همکاران (۲۴) و کمپل (Campbell, Cohan,stein) (۲۵) همخوانی دارد. والدین انعطاف‌پذیر از نظر ویژگی‌های فردی، سازگار و اساساً نوع‌دوست هستند و با دیگران احساس همدردی می‌کنند و مشتاق کمک به آنان‌اند و اصولاً فرزندان چنین والدینی از نظر روانی سالم‌ترند؛ زیرا هر آنچه برای داشتن یک

[Downloaded from jpsi.medilam.ac.ir on 2026-11-01]

رابطهٔ مفید و سازنده نیاز است که شخصیت و رفتار یک فرد را کنترل و درونی کند، در چنین والدینی وجود دارد و ازآنجاکه این والدین حتی در ارتباط با دیگران بسیار محتاط هستند، در ارتباط با فرزندانشان هم موفق عمل می‌کنند و خانوادهٔ سالم‌تری دارند.

در آخرین فرضیه، نتایج تحقیق نشان داد میان تیپ شخصیتی وظیفه‌شناسی والدین با سلامت روان دانشجویان رابطهٔ معناداری وجود دارد. نتایج با پژوهش شکری و همکاران (۲۶) و یاداوا (Yadava) (۲۰) همخوان است؛ بنابراین، هنگامی‌که والدین از نظر شخصیتی، افرادی باوجدان و وظیفه‌شناس باشند، درک بالایی دارند و در رویارویی با مسائل زندگی محتاطانه عمل می‌کنند و از نظر اخلاقی هم افراد متعهدی هستند و برای رسیدن به اهداف خود تلاش می‌کنند؛ پس افراد سالمی هستند و در ارتباط با فرزندان هم اصول تربیتی درست را رعایت می‌نمایند و فرزندان سالم‌تری دارند.

روشی که والدین به‌عنوان الگوی تربیتی و رفتاری خود به‌کار می‌برند که بر اساس آن فرزند خود را پرورش دهند، به نوع ویژگی‌های رفتاری و تیپ شخصیتی آنان بستگی دارد. والدین هرگونه رفتاری را در پرورش فرزند خود به‌کار ببرند، مطمئناً انعکاس آن را در رفتار فرزندشان می‌بینند. هرگونه سهل‌انگاری در این زمینه سبب ضربات جبران‌ناپذیری بر روح و روان و سلامت فرزندانشان می‌شود؛ بنابراین پیشنهاد می‌گردد پژوهشگران در تحقیقات آتی، مطالعات گسترده‌تری دربارهٔ علائم روان‌پزشکی، ویژگی‌های شخصیتی والدین و سلامت روان دانشجویان انجام دهند و با بهره‌گیری از روش‌های علمی و منطقی، به ارائهٔ راهکارهای گوناگون در زمینهٔ این موضوع بپردازند.

نتیجه‌گیری

الگوهای فرزندپروری قاطع و اطمینان‌بخش در سلامت روان فرزندان نقش مهمی دارند؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود که بایستی در آموزش‌ها مدنظر قرار گیرند.

تشکر و قدردانی

بدین وسیله از زحمات اساتید گرانقدر آقایان دکتر فتحاله محمدیان ،دکتر وحید احمدی ودکتر شهرام مامی و همچنین همه دانشجویان عزیزی که صبورانه در به نتیجه رساندن این تحقیق یاریگرمان بوده اند صمیمانه تقدیر و تشکر می نماییم .

تضاد منافع

هیچگونه تعارض منافعی در بین نویسندگان وجود ندارد.

ملاحظات اخلاقی

این مطالعه در شورای پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلام به تصویب رسیده است .

سهم نویسندگان

لیلا کاظمی نیا نسخه اولیه مقاله را تهیه و در مراحل سابمیت، اصلاحات داوران و تایید نهایی و همچنین جمع آوری و وارد کردن داده ها در نرم افزار آماری مشارکت داشته است. فتح اله محمدیان در تفسیر نتایج و پاسخ به داوران نقش ایفا کرده است، رسول به آفرین در انجام اصلاحات داوران و ویرایش نهایی نقش داشته است، جهانشاه محمدزاده در تحلیل داده ها و ویرایش نسخه نهایی مشارکت کرده اند.

حمایت مالی

هیچگونه حمایت مالی در انجام این پژوهش از شخص یا سازمان خاصی دریافت نشده است.

REFERENCES

1. Akbarpoor zanghalani MB, khodayari shouti S, Malekzadeh A. The Relationship between Mental Health and Achievement Motivation among the Students of Tabriz University of Medical Sciences. Development Strategies in Medical Education. 2016;3(2):14-24.
2. Safaei Rad I, Lavasani M, Gholamali A. The Relationship between Mental Characteristic Characteristics of Mental Health and the Creativity of Girl's Children. Women Studies. 2018;9(23):101-22.
3. Tehrani H, Shojayizade D, Hoseiny SM, Alizadegan Sh. Relationship between Mental Health, personality Trait and Life Events in Nurses Working in Tehran Emergency Medical Service (Tehran 115). Iran Journal of Nursing. 2012;25(75):52-9.
4. Riolli L, Savicki, V., & Cepani, A. Resilience in the face of catastrophe: Optimism, personality and coping in the Kosovo crisis. Resilience in the face of catastrophe: Optimism, personality and coping in the Kosovo crisis. 2002;8(32):23.
5. Etemadi M, Aghebati A, Ayatmehr F, Ashoori A. Predicting Borderline Personality Traits in Adolescents Based on Parenting Styles and Emotion Regulation Strategies. Practice in Clinical Psychology. 2020;8(2):133-42.
6. Gholamali Lavasani M, Borhanzadeh S, Afzali L, Hejazi E. The relationship between perceived parenting styles, social support with psychological well- being Procedia Social and Behavioral Sciences. 2011;15:4.
7. Aslani1 K, Derikvandi N, Dehghani Y. Relationship between parenting styles, religiosity, and emotional intelligence with addiction potential in high schools students. Journal of Fundamentals of Mental Health. 2015.
8. Sahraee S. Effect of neurofeedback training on consumption temptation,depression and anxiety of smokers. Iranian journal of educational Sociology. 2016;1(1):10.
9. Baumrind DJTjoea. The influence of parenting style on adolescent competence and substance use. 1991;11(1):56-95.
10. M S, SN K, A Y. Personality factors as correlates of Health

[Downloaded from jpsi.medilam.ac.ir on 2026-11-01]

mong Adults. Journal of the Indian Academy of Applied Psychology. 2010;36(2): 328-33.
11. Jansen PW, Giallo R, Westrupp EM, Wake M, Nicholson JMJP. Bidirectional associations between mothers' and fathers' parenting consistency and child BMI. 2013; 132(6):e1513-e20.
12. Piri, Zahra. Investigating the Relationship between Parents 'Parenting Styles and Children' s Perfectionism among Students of Payame Noor University of Ilam. BSc Thesis in Educational Sciences. 2016.
13. Malekhatai, Mahsa. Investigating the Relationship between Personality Traits and Its Role on University Socialization among Students of Ilam Universities. Bachelor Thesis Payame Noor University of Ilam. 2016.
14. Mirahmadi, Elham. Investigating the Relationship between Attachment Styles and Mental Health of High School Students in Mehran. BSc Thesis Payame Noor University of Mehran. 2015.
15. Aboutalebi, Ahmadi. Taqi. The Relationship between Parenting Style and Self-Esteem with Students Mental Health. Family and Research Quarterly. 2016;16.
16. Seth M, Asudani VJISRJ. Parenting styles and their impact on educational performance of children at high Scholl level: review of literature. 2013;3(7).
17. Uji M, Sakamoto A, Adachi K, Kitamura TJJoC, Studies F. The impact of authoritative, authoritarian, and permissive parenting styles on children's later mental health in Japan: Focusing on parent and child gender. 2014;23(2):293-302.
18. Mustafa B, Mustafa; C, Saeed AM, Oladi Z, Shamloo JN. Investigating the Relationship between Parents 'Parenting Styles and Their Children' s Mental Disorders. International Conference on Child and Adolescent Psychiatry. 2010.
19. Oyserman D, Bybee D, Mowbray CJJoa. Influences of maternal mental illness on psychological outcomes for adolescent children. 2002;25(6):587-602.
20. Sharma NR, Sahrma A, Yadava AJJIHP. Study of general mental health in relation to personality. 2006;1(1):67-75.
21. Schofield MJ, O'halloran P, McLean SA, Forrester-Knauss C, Paxton SJJAP. Depressive symptoms among a ustralian university students: who is at risk? 2016;51(2):135-44.
22. Ahmadi K, Nejati V, Abdi MR. Comparison of General Health in Adolescent Boys and Girls and its Relationship with Personality Characteristics %J Journal of Guilan University of Medical Sciences. 2012;21(81):29-36.
23. Grant S, Langan-Fox JJJoohp. Personality and the occupational stressor-strain relationship: the role of the Big Five. 2007;12(1):20.
24. Dastjerdi R, Farzad V, Kadivar PJJoBUoMS. The role of five big personality factors in predicting psychological well-being. 2011;18(2):126-33.
25. Campbell-Sills L, Cohan SL, Stein MBJBr, therapy. Relationship of resilience to personality, coping, and psychiatric symptoms in young adults. 2006;44(4):585-99.
26. Shokri O, Moradi A, Farzad Ve, Sangari A, Ghanai Z, Rezaei A. The Role of Personality Traits and Coping Styles on University Student's Mental Health: Introducing Causal Models %J Advances in Cognitive Sciences. 2005;7(1):28-38.

[Downloaded from jpsi.medilam.ac.ir on 2026-11-01]